



شماره ثبت: ۳۱۶۹

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	نوحه برای میت
۲	مرور بر گذشته
۲	۴. چهارمین روش جمع
۲	طایفه چهارم روایت
۳	احتمالات در الغای خصوصیت
۳	جمع‌بندی با پذیرفتن احتمالات
۴	جمع‌بندی با پذیرفتن احتمال دوم
۴	مثال برای درک بهتر
۵	جمع‌بندی بحث با توجه به قاعده انقلاب نسبت



نوحه برای میت

مرور بر گذشته

بحث در نوحه علی المیت بود. اخبار و روایات بحث را بررسی کردیم. سه طایفه روایات وجود داشت. طایفه مجوزه، مانعه، مفصله. در روایات مجوزه، روایات معتبری وجود داشت. در روایات مانعه، یک روایت اعتبار داشت، ولی کثرت زیادتری نسبت به مجوزه داشت. در روایات مفصله، روایت معتبری از لحاظ سند وجود نداشت.

در جلسات قبل، جمع‌بندی روایات را عرض کردیم و سه نوع جمع‌بندی کردیم:

۱. اخبار مانعه حمل بر کراهت بشود. اخبار مجوزه لایعنه دارد و همین لایعنه می‌شود که اخبار مانعه در حد کراهت است.
۲. طایفه مفصله را شاهد جمع قرار بدهیم. اخبار مجوزه را حمل بر جایی می‌کنیم که ناحیه مشتمل بر کذب و باطل نیست. اخبار مانعه نیز حمل بر جایی می‌شود که مشتمل بر کذب و باطل باشد.
۳. این جمع در کلام حر عاملی است. ایشان اخبار مانعه را حمل بر جایی می‌کردند که متضمن غنا یا استماع اجانب باشد. این جمع‌بندی وجهی نداشت.

۴. چهارمین روش جمع

اخبار مفصله، اعتباری ندارد. ممکن است کسی بگوید به جز اخبار مفصله، سه طایفه وجود دارد.

طایفه چهارم روایت

طایفه چهارم، روایت اول باب هفدهم است. داستان وصیت امام محمدباقر (ع) است. این روایت معتبر است.



شماره ثبت: ۳۱۶۹

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي أَبِي يَا جَعْفَرُ أَؤَقِفُ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا لِتَوَادِبَ تَنْدُبْنِي عَشْرَ سِنِينَ بِمَنَى أَيَّامٍ مَنَى.»^۱

این روایات با روایات دیگر تفاوتی دارد. روایات مجوزه، فقط جایز می‌دانستند. این جواز با کراهت قابل جمع بود. این روایت با اخبار مجوزه یکی نیست. این روایت را نمی‌توانیم حمل بر کراهت بکنیم. ظاهر روایت، ظهور در رجحان و استحباب دارد.

اگر این بحث مذکور را بپذیریم، روایات مجوزه بر دو قسم می‌شوند.

این روایت را با قرینه‌ی اخبار مجوزه نمی‌توانیم حمل بر کراهت بکنیم.

احتمالات در الغای خصوصیت

این یک نکته سرنوشت‌ساز است. در اینجا دو حالت وجود دارد.

۱. یک حالت این است که بگوییم از این روایت و از معصوم (ع) به سایر انسان‌ها الغای خصوصیت می‌کنیم. رجحان عزاداری از امام محمدباقر (ع) به تمام میت‌ها الغای خصوصیت می‌شود. اگر این احتمال باشد، روش جمع‌بندی مان تفاوت می‌کند.

۲. احتمال دوم این است که الغای خصوصیت نمی‌توانیم بکنیم. حداکثر الغای خصوصیتی که در اینجا می‌شود این است که از امام محمدباقر (ع) به دیگر ائمه (علیهم‌السلام) و اولیاءالله سرایت می‌دهیم.

جمع‌بندی با پذیرفتن احتمالات

اگر حالت اول را بگیریم، این روایت با بقیه روایات معارض است و از طریق جمع اول، نمی‌توانیم جمع‌بندی کنیم. چون تعارض با روایات مانعه دارد.

اما اگر حالت دوم را بپذیریم که اظهر نیز همین احتمال است. در این صورت طایفه‌ی جدیدی به وجود می‌آید و به خاطر اخص بودن، معارض بقیه روایات نیست.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۵.



شماره ثبت: ۳۱۶۹

جمع‌بندی با پذیرفتن احتمال دوم

به جز روایات مفصله، سه طایفه وجود دارد.

۱. ناحه بر میت به طور مطلق اشکالی ندارد. (جواز ناحه علی المیت)

۲. ناحه بر میت اشکال دارد.

۳. در معصومین (علیهم السلام) رجحان دارد.

اگر دو طایفه قبل بود، حمل بر کراهت می‌شد. اکنون که طایفه سوم را پذیرفتیم باید دوباره جمع‌بندی کنیم.

مثال برای درک بهتر

برای روشن شدن این مطلب، یک مثال اصولی می‌زنیم و یک قاعده اصولی را بازگو می‌کنیم.

اگر سه دلیل فرض کنیم.

دلیل اول: (لا تکرّم العلما) علما را اکرام نکن.

دلیل دوم: (لا یبعث به اکرام العلما) اکرام علما اشکالی ندارد.

دلیل سوم: (یستحب اکرام العالم العادل) عالم عادل را اکرام کن. (ظهور در استحباب دارد)

دلیل دوم و سوم، تعارضی ندارند. لایعنی با استحباب ممانعتی ندارد. بین این دو عموم و خصوص مطلق است.

دلیل سوم با دلیل اول، تعارضی ندارد. دلیل سوم مقید دلیل اول می‌شود.

دو نوع جمع‌بندی وجود دارد.

۱. ابتدا دلیل اول و دوم را با هم جمع می‌کنیم که حمل بر کراهت می‌شود. دلیل سوم بعد از این جمع، اخص و مقید می‌شود. یعنی

اکرام علما کراهت دارد، مگر در جایی که عالم عادل باشد.



شماره ثبت: ۳۱۶۹

۲. ابتدا دلیل سوم را مقید دلیل اول می‌گیریم. این جمله می‌شود اکرام علما کراهت است مگر اکرام علمای عادل. بعد از این جمع، با دلیل دوم جمع می‌کنیم. در اینجا حمل بر کراهت نمی‌شود. بهتر است بگوییم دو جمله وجود دارد:

۱. اکرام عالم فاسق را نکن

۲. اشکالی در اکرام عالم نیست.

بین این دو عموم و خصوص مطلق است. تعارضی بین این‌ها نیست. به این امر انقلاب نسبت می‌گویند.

هر وقت طوایف و ادله بحث از دو تا عبور کرد، باید ببینیم که جای انقلاب نسبت هست یا نیست.

جمع‌بندی بحث با توجه به قاعده انقلاب نسبت

دلیل اول: ناحه برای مردگان جایز نیست.

دلیل دوم: ناحه برای مردگان اشکالی ندارد.

دلیل سوم: ناحه بر معصومین استحباب دارد.

دلیل اول و سوم را جمع می‌کنیم. ناحه برای مردگان جایز نیست مگر در معصومین (علیهم‌السلام). حال این جمع را با دلیل دوم را جمع می‌کنیم. ناحه بر مردگان کراهت دارد و برای معصومین (علیهم‌السلام) مستحب است.